



بسم الله الرحمن الرحيم

امارت اسلامی افغانستان

وزارت ارشاد، حج و اوقاف

ریاست ارشاد و انسجام مساجد



موضوع خطابت روز جمعه

و تقریر و بیان تحریر شده که به تمام خطباء مرکز و ولایات

به هر دو زبان ملی کشور (دري و پشتو) ارسال میگردد

۲۰/شوال المکرم/۱۴۴۶ هـ ق مطابق ۲۹/حمل ۱۴۰۴ هـ ش

اهمیت و ضرورت عدل و انصاف در زندگی فردی و اجتماعی

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله، الحمد لله عدد خلقه، ورضا نفسه، وزنة عرشه، ومداد كلماته، حمداً يليق بجلاله وعظمته وكبريائه، وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له، وأشهد أن محمداً عبده ورسوله، صلى الله عليه وعلى آله وأصحابه، والتابعين لهم بإحسان إلى يوم الدين، وسلم تسليماً كثيراً، أما بعد:

قال الله سبحانه وتعالى: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَى أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ إِنْ يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَاللَّهُ أَوْلَىٰ بِهِمَا فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا وَإِنْ تَلَوْا أَوْ تَعْرَضُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا). [النساء: ۱۳۵]

حضور محترم وگرامی!

السلام عليكم ورحمة الله وبركاته!

نخست اینکه الله تعالى توفیق عمل نیک را نصیب ما و شما بگرداند والله تعالى این توفیق را به ما بدهد که در روز قیامت با الله تعالى با چهره صاف ملاقات کنیم؛ در حالیکه شکم های ما از حرام پاک باشد.

حضور گرامی!

الله جل جلاله پیغمبران و شریعت اسلامی را به این مقصد فرستاده است که افراد و خانواده صالح تربیه نموده و جامعه صالح را بوجود آورند.

دین مقدس اسلام بخاطر این نازل شده است که مصالح مردم را در زندگی ایشان تطبیق و تمام مفاسد و اخلاق بد را از زندگی ایشان دور کند تا اینکه افراد و جامعه انسانی در دنیا و آخرت نیکبخت باشند و به منزل کامیابی برسند.

مسلمانان گرامی!

موضوع تقریر و بیان امروز پیرامون اهمیت و ضرورت عدل و انصاف در زندگی فردی و اجتماعی است.

عدل و انصاف سرچشمه همه خوبی ها و فضائل است، عدل راهی در بین افراط و تفریط است.

درجمله صفات خوب انسان؛ صفت عدل و انصاف است. هر دین از خود خصوصیتی دارد و خصوصیت دین اسلام عدل و انصاف و دوری از ظلم می باشد.

عدل و انصاف لباس وزینت شریعت اسلام و راز اصلاح فرد و جامعه است؛ عدل و انصاف اخلاق پیامبران و اولیاء است، به عدل و انصاف قلب ها آرام میگیرد و ضمیر انسانی بر آن خوشحال میشود.

سعادت و نیکبختی زندگی افراد و جامعه به عدل و انصاف وابسته است، کسیکه عادل و منصف باشد آن شخص به الله تعالی محبوب می باشد و به نزد بندگان الله تعالی هم محبوب می باشد. و انسان عادل در دلهای مردم جایگاه خاص دارد.

به عدل و انصاف قلب های مردم مطمئن و آرام میگیرد، مال و عزت آنها مصئون می باشد. و در زندگی اجتماعی چادر سعادت و خوشی پهن میگردد.

هر وقتیکه امت اسلامی عدل و انصاف را از دست داد در زندگی اجتماعی آنها خود خواهی و غرور گسترش می یابد، و اموال مردم به اثر ظلم حیف و میل شده و جامعه انسانی را کارهای بد و زشت تهدید میکند که به اثر آن همت مردم در جامعه ضعیف میشود و جذبۀ ابتکار در دلهایشان ضعیف میگردد و انگیزه آبادی و ترقی از ذهن مردم بیرون میشود.

عدل و انصاف جامعه را از پراگندگی و انحلال حفاظت میکند، عدل و انصاف جلو ظلم و بی انصافی را میگیرد.

وقتیکه در جامعه اسلامی یک نفر به تقصیر و نقصان خود اعتراف نموده و گواهی دهد؛ پس در چنین جامعه ظلم، جبر و غدر جا ندارد و اینطور جامعه رنگ زمان نبوت را بخود میگیرد.

عدل و انصاف در بین حاکم و رعیت پل اعتماد را به میان می آورد، که در نتیجه آن حاکم از رعیت خود مطمئن می باشد و رعیت از راعی و حاکم خود خرسند و راضی می باشند.

وقتیکه عدل و انصاف در جامعه اسلامی پیاده شود و هر کس به حقوق خود دسترسی پیدا میکند و حق کسی ضایع نمی شود و همه مردم در برابر قانون یکسان می باشند و قانون بالای هر کس یکسان تطبیق میشود و مردمان خاص و عام در برابر قانون حیثیت مساوی دارند. ظالم را جزا داده میشود و به مظلوم حق آن سپرده میشود.

در جامعه ای که عدل و انصاف حاکم باشد در آن جامعه خواهشات نفسانی و رغبت مردمان شریر مرده می باشد.

عدل و انصاف شیرازه خانه ها و شهر ها است، آسمان و زمین به عدل و انصاف استوار است.

مظلومان و ضعیفان به عدل و انصاف پناه می برند و حق مظلوم به عدل و انصاف وابسته است، و به عدل و انصاف قوت و عزت مردم به وجود می آید. به عدل و انصاف وحدت و یکپارچگی به میان آمده و محکم میگردد.

از برکت عدل و انصاف امت ها قوت میگیرند و به اثر عدل و انصاف نظام ها تا قیامت باقی می ماند و نظام ظلم و استبداد به اندازه چند لحظه ای بقاء ندارد.

وقتیکه عدل و انصاف از جامعه دور شود در آن جامعه بی نظمی، ظلم، تجاوز به حقوق دیگران جا میگیرد و در بین ملت و امت اضطراب را به وجود می آورد.

در وقت خلافت عمر بن عبدالعزیز رضي الله عنه والی خراسان به عمر بن عبدالعزیز نامه ای نوشت که در آن از مردم خراسان شکایت کرد و راه حل آنرا اینطور بیان کرد: (وإنه لا يصلحهم إلا السيف والسوط) یقیناً اینها بدون از شمشیر و شلاق اصلاح نمیشوند به من اجازه بدهید که اینها را توسط شمشیر و قمچین اصلاح کنم .

حضرت عمر بن عبدالعزیز رضي الله عنه در جوابش نوشت: (فقد بلغني كتابك تذكر فيه أن أهل خراسان قد ساءت رعيتهم، وأنه لا يصلحهم إلا السيف والسوط، فقد كذبت، بل يصلحهم العدل والحق، فابسط ذلك فيهم والسلام).

ترجمه:- یقیناً نامه شما به من رسید و شما در آن نوشته اید که اداره مردم خراسان خراب شده است و اینها بدون از شمشیر و قمچین اصلاح نمیشوند؛ یقیناً تو دروغ گفته ای؛ زیرا که مردم خراسان را حق و عدل اصلاح کرده میتواند و همان حق و عدل را در بین اینها گسترش بده. والسلام.

بناءً برهر مسلمان لازم است که در گفتار و فیصله خود عدل را مراعات کند و در همه امورات خود از عدل و انصاف کار بگیرد تا اینکه اختیار کردن عدل از جمله صفات و اخلاق خاص او گردیده و از او جدا نشود و به این خصوصیت میتواند رضای الله را بدست آورد و از جامعه هر نوع ظلم و بی انصافی را دور نماید.

ضرورت و اهمیت عدل و انصاف در روشنائی قرآن کریم و احادیث نبوی صلی الله علیه وسلم:

اگر قرآن کریم و احادیث نبوی به دقت جستجو کنیم می بینیم که الله تعالی در بسیار از آیات قرآن کریم به عدل و انصاف امر کرده است، زیرا که عدل و انصاف در زندگی اجتماعی اهمیت زیادی دارد و در دین مقدس اسلام هر نوع علاقه و رابطه باید به اساس عدل و انصاف تنظیم شود.

عدالت و انصاف در اسلام یک امر واجبی است که الله تعالی به تمام مردم آنرا لازم کرده است و در آن استثناء وجود ندارد. الله جل جلاله فرموده است که ما پیامبران، کتابها و انصاف (ترازو) را به این خاطر روان کردیم که زندگی مردم را به عدل و انصاف استوار گردانند. الله جل جلاله فرموده است: (لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ) [الحديد: ۲۵]

ترجمه:- البته ما پیامبران خود را با دلائل واضح فرستادیم و به آنها کتاب و ترازو را نیز نازل کردیم تا مردم در میان خود عدالت را قایم کنند.

الله تعالی پیامبر خود حضرت محمد صلی الله علیه وسلم را به عدل و انصاف امر کرده و فرمود: (فَلِذَلِكَ فَادْعُ وَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَقُلْ آمَنْتُ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ كِتَابٍ وَأُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمْ). [الشوری: ۱۵]

ترجمه:- پس از این جهت مردم را به سوی دین حق دعوت بده به طوریکه به تو حکم شده پایداری کن و از خواسته های آنان پیروی مکن و به آنان بگو به هر کتابیکه از سوی الله نازل شده است ایمان آورده ام و به من دستور داده شده که در میان شما به عدالت حکم کنم.

توضیح: امام بیضاوی در تفسیر (لأعدل بینکم) مینویسد: (لأعدل بینکم فی تبلیغ الشرائع والحکومات) تفسیر البیضاوی (۱۲۵/۵) ترجمه:- بخاطر اینکه من در بین شما عدالت کنم در رساندن شریعت و در وقت فیصله. رسول الله صلی الله علیه وسلم در تمام زندگی خود عدل و انصاف را به طور عملی به مسلمانان نشان داد.

در حدیث شریف آمده است: (عَنْ عَائِشَةَ، زَوْجِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، أَنَّ قُرَيْشًا أَهَمَّهُمْ شَأْنُ الْمَرْأَةِ الَّتِي سَرَقَتْ فِي عَهْدِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي غَزْوَةِ الْفَتْحِ، فَقَالُوا: مَنْ يَكْلُمُ فِيهَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ؟ فَقَالُوا: وَمَنْ يَجْتَرِئُ عَلَيْهِ إِلَّا أُسَامَةُ بْنُ زَيْدٍ، حُبُّ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَأَتَى بِهَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَكَلَّمَهُ فِيهَا أُسَامَةُ بْنُ زَيْدٍ، فَتَلَوْنَ وَجْهَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَقَالَ: أَتَشْفَعُ فِي حَدٍّ مِنْ حُدُودِ اللَّهِ؟، فَقَالَ لَهُ أُسَامَةُ: اسْتَغْفِرْ لِي يَا رَسُولَ اللَّهِ، فَلَمَّا كَانَ الْعَشِيُّ، قَامَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَاخْتَطَبَ، فَأَتْنَى عَلَى اللَّهِ بِمَا هُوَ أَهْلُهُ، ثُمَّ قَالَ: أَمَّا بَعْدُ، فَإِنَّمَا أَهْلَكَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ أَنَّهُمْ كَانُوا إِذَا سَرَقَ فِيهِمُ الشَّرِيفُ تَرَكَوهُ، وَإِذَا سَرَقَ فِيهِمُ الضَّعِيفُ أَقَامُوا عَلَيْهِ الْحَدَّ، وَإِنِّي وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ، لَوْ أَنَّ فَاطِمَةَ بِنْتَ مُحَمَّدٍ سَرَقَتْ لَقَطَعْتُ يَدَهَا) (أعاذها الله). صحيح مسلم

ترجمه:- از حضرت عائشه زوجه رسول الله صلی الله علیه وسلم روایت است که یقیناً قریش را در غم قرار داده بود حالت آن زنیکه سرقت کرده بود در زمان رسول الله صلی الله علیه وسلم در غزوه فتح. ایشان در بین خود گفتند: چه کسی صحبت کند با رسول الله صلی الله علیه وسلم درباره این زن؟ آنها گفتند: که به این سخن (سفارش) کس دیگری جرأت کرده نمیتواند مگر اسامه ابن زید رضی الله عنه که به نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم شخص محبوب است.

واسامه ابن زید آن زن را به نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم آورد و در باره آن زن با رسول الله صلی الله علیه وسلم صحبت کرد و رنگ چهره مبارک ایشان تغییر کرد و اینچنین فرمود: آیا تو سفارش میکنی در یک حدی از حدود الله تعالی اسامه رضی الله عنه به پیامبر علیه السلام گفت: که از برای من مغفرت طلب کن یا رسول الله! وقتی که وقت نماز پیشین فرارسید رسول الله صلی الله علیه وسلم ایستاد شد و خطبه ای ارائه کرد: که در آن حمد و ثنای الله تعالی را بیان کرد طوریکه الله به آن مستحق بود، سپس فرمود: یقیناً هلاک شدند آن مردمیکه قبل از شما بودند و آنها طوری بودند وقتی که در بین ایشان شخص شریف و عزتمند دزدی میکرد؛

آنها را میکردند وقتی که شخص غریب و نا توان سرقت میکرد بالای آن حد را جاری میکردند. یقیناً سوگند به الله که نفس من در اختیار او است اگر فاطمه بنت محمد سرقت کند خواه مخواه دست او را قطع میکنم.

در یک حدیث دیگر آمده است: عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: بَيْنَمَا نَحْنُ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَهُوَ يَقْسِمُ قِسْمًا، أَنَّهُ ذُو الْخُوَيْصِرَةِ، وَهُوَ رَجُلٌ مِنْ بَنِي تَمِيمٍ، فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ اْعْدِلْ، فَقَالَ: «وَيْلَكَ، وَمَنْ يَعْدِلُ إِذَا لَمْ اْعْدِلْ، قَدْ خَبَتْ وَخَسِرَتْ إِنْ لَمْ اَكُنْ اْعْدِلْ». صحيح البخاري (٢٠٠ / ٤)

ترجمه: - از ابو سعید خدری رضی الله عنه روایت است، او میگوید که یکبار ما با رسول الله صلی الله علیه وسلم همراه بودیم و رسول الله صلی الله علیه وسلم مالهای غنیمت را بالای مردم تقسیم میکرد. ذو الخویصره که از قبیله بنی تمیم آمده بود و گفت: یا رسول الله عدل و انصاف کنید! نبی علیه السلام برایش گفت: هلاک شوید کیست که عدل و انصاف کند در صورتیکه من عدل و انصاف نکنم؟

(در بعضی روایات خَبَتْ وَخَسِرَتْ آمده است).

همچنان الله تعالی تمام مسلمانان را در هر حالت به رعایت کردن عدل و انصاف امر کرده و فرموده است: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَى أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ إِنْ يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَاللَّهُ أَوْلَىٰ بِهِمَا فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا وَإِنْ تَلَوُّوا أَوْ تَعْرِضُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا) [النساء: ١٣٥]

ترجمه: - ای کسانی که ایمان آورده اید همیشه برپا کننده عدل باشید و برای الله گواهی دهید اگر چه آن گواهی به ضرر خود، والدین یا خویشاوندان تان باشد. و اگر یک جانب دعوا؛ مال دار یا تنگدست باشد پس الله نسبت به آنها اولی تر است پس از هوای نفس پیروی نکنید و به انصاف رفتار کنید. و اگر در گواهی دادن زبان پیچانید و درست گواهی ندهید و یا از گواهی دادن به حق اعراض نمائید پس بدانید که الله به آنچه میکنید خبردارد.

در آیه دیگر الله جل جلاله عموم مسلمانان را امر کرده وقتی که سخن میگوئید یا گواهی میدهید پس به عدل و انصاف سخن گوئید و گواهی به عدل بکنید اگر چه از جمله نزدیکان و اقارب شما هم باشد. الله تعالی فرموده است: (وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ) [الأنعام: ١٥٢]

ترجمه: - و هر گاه سخن گفتید پس انصاف را مراعات کنید و اگر چه کسی که در باره او سخن میگوید خویشاوند شما باشد. در آیه دیگر الله تعالی فرموده است که عدل و انصاف در مقابل دوست و دشمن یکسان رعایت کرده شود و دشمنی دشمن؛ شمارا از عدل و انصاف نگرداند. الله تعالی فرموده است: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اْعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ) [المائدة: ٨]

ترجمه: - ای کسانی که ایمان آورده اید برای احقاق حق الله طبق عهدتان برخیزید و به عدل و انصاف گواهی دهید و عداوت با قومی شمارا به بی عدالتی و ادا ن نکردن بلکه عدل کنید که عدل و انصاف به تقوی نزدیک تر است. و از الله بترسید بی گمان الله به آنچه میکنید آگاه است.

درآیه دیگری الله تعالى مسلمانان را امر کرده است وقتیکه شما در بین مردم فیصله می‌کنید پس به انصاف فیصله کنید. (وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ) [النساء: ۵۸] ترجمه: وهرگاه میان مردم فیصله کردید پس به عدل و انصاف حکم کنید. همچنان اهمیت عدل و انصاف در احادیث نبوی صلی الله علیه وسلم زیاد بیان شده است.

عن عبدالله بن عمرو رضي الله عنهما قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «إِنَّ الْمُقْسِطِينَ عِنْدَ اللَّهِ عَلَى مَنَابِرٍ مِنْ نُورٍ عَنْ يَمِينِ الرَّحْمَنِ عَزَّوَجَلَّ، وَكَلَّمَا يَدِيهِ يَمِينٌ؛ الَّذِينَ يَعْدِلُونَ فِي حُكْمِهِمْ وَأَهْلِيهِمْ وَمَا وَلُّوا». صحيح مسلم (۱۴۵۸/۳) ترجمه: از عبدالله بن عمرو رضي الله عنهما روایت است او می‌گوید که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: عدالت کنندگان به نزد الله تعالى در منبرهای نوری به طرف راست رحمن نشسته می‌باشند. و هر دو ید بلا کیف پروردگار یمین است، اینها همان کسانی اند که در فیصله‌های خود عدل و انصاف می‌کردند و عدل و انصاف می‌کنند با اهل خود و با آنانیکه سرپرستی آنها در اختیار اینهاست.

عن عبدالله بن أبي أوفى رضي الله عنه قال: قال رسول الله: «إِنَّ اللَّهَ مَعَ الْقَاضِي مَالِهِمْ يَجْرُ، فَإِذَا جَارَ تَخَلَّى عَنْهُ وَلَزِمَهُ الشَّيْطَانُ» سنن الترمذي (۶۱۰/۳)

ترجمه: از عبدالله بن ابو اوفی رضي الله عنه روایت است او می‌گوید که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: یقیناً الله تعالى با قاضی است یعنی کمک میکند او را تا وقتیکه ظلم نکند و وقتیکه ظلم کرد الله تعالى از او دور میشود و شیطان رفیق او میشود. در روایت ابن ماجه آمده است: «فَإِذَا جَارَ وَكَلَهُ إِلَى نَفْسِهِ» سنن ابن ماجه (۷۷۵/۲) ترجمه: و وقتیکه ظلم کند الله تعالى قاضی را به خودش واگذار میکند. یعنی کمک و همکاری خود را از او سلب میکند.

عملی کردن بعضی صورت‌های عدل و انصاف :

در شریعت اسلام عدل و انصاف از هرکسی و در هر وقت یک امر مطلوب است اگر حاکم باشد و یا رعیت مبلغ باشد و یا تاجر، شاهد باشد یا خبرنگار، عالم باشد یا مجتهد.

در شریعت اسلام عدل و انصاف از گروه موافق و مخالف در حالات صلح و جنگ امر مطلوب است.

در شریعت اسلام عدل و انصاف در بین زن و شوهر، پدر و اولاد ها در همه مطلوب است، که بعضی نمونه‌های آن قرار ذیل است:

۱- عدل و انصاف امام یا حاکم:

رعایت کردن عدل و انصاف بالای هر کس لازم است، اما عدل امام، حاکم، قاضی، والی و زمام دار اهمیت زیاد دارد. بالای امام و حاکم لازم است که عدل و انصاف را در بین رعیت خود مراعات کنند و صاحبان عدل و انصاف را مشاورین و اراکین دولت خود قرار بدهند.

شیخ الاسلام ابن تیمیه رح نوشته است: (وَجَمِيعُ هَذِهِ الْوَلَايَاتِ هِيَ فِي الْأَصْلِ وَلَايَةُ شَرْعِيَّةٍ وَمَنَاصِبُ دِينِيَّةٍ فَأَيُّ مَنْ عَدَلَ فِي وَلَايَةٍ مِنْ هَذِهِ الْوَلَايَاتِ فَسَاسَهَا بِعِلْمٍ وَعَدَلَ وَأَطَاعَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ بِحَسَبِ الْإِمْكَانِ فَهُوَ مِنَ الْأَبْرَارِ الصَّالِحِينَ وَأَيُّ مَنْ ظَلَمَ وَعَمَلَ فِيهَا بِجَهْلٍ فَهُوَ مِنَ الْفُجَّارِ الظَّالِمِينَ) رسالة في الحسبة (ص: ۵)

ترجمه: این همه وظایف و مسئولیت‌ها مانند: (ولایة القضاء، ولایة الحرب، ولایة الحسبة و ولایة المال) اینها در اصل وظایف شرعی و مناصب دینی اند کسیکه عدل کرد در این وظایف و به علم و عدل این وظایف را انجام داد و طاعت الله تعالى و طاعت رسول الله صلی الله علیه وسلم را بجا آورد به اندازه توان پس این والی از جمله نیکان و صالحان است و هر که ظلم کرد و در این وظایف به جهل و نادانی عمل کرد پس این شخص از جمله ظالمان و فاجران است.

درجای دیگر مینویسد: (يَجِبُ عَلَى كُلِّ وَلِيٍّ أَمْرٌ أَنْ يَسْتَعِينَ بِأَهْلِ الصَّدَقِ وَالْعَدْلِ). رسالة في الحسبة (ص: ۴)

ترجمه: واجب است بر هر ولی الامر که کمک بگیرد از مردمان راستگو و صاحبان عدل. از همین جهت پادشاه عادل در روز آخرت در زیر سایه عرش قرار میگیرد.

۲- عدل و انصاف کردن در فیصله و حکم:

هرکس که در بین مردم فیصله میکند امام یا حاکم، یاوالی یا قاضی و یا اصلاح کننده و یا کدام زمامدار دیگری باید عدل و انصاف را مراعات کند. و از ظلم خود را حفاظت کند و در بین مردم به اساس قرابت، رفاقت، شناخت، قومیت، نژاد و رنگ فیصله نکند.

الله جل جلاله فرموده است: (وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ) [النساء: ۵۸]

ترجمه:- و هرگاه میان مردم فیصله کردید پس به عدل و انصاف حکم کنید.

همچنان در حدیث شریف آمده است: عَنِ ابْنِ بَرِيْدَةَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّبِيِّ -صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ- قَالَ « الْقَضَاءُ ثَلَاثَةٌ: وَاحِدٌ فِي الْجَنَّةِ وَآخَرُ فِي النَّارِ فَأَمَّا الَّذِي فِي الْجَنَّةِ فَرَجُلٌ عَرَفَ الْحَقَّ فَقَضَى بِهِ وَرَجُلٌ عَرَفَ الْحَقَّ فَجَارَ فِي الْحُكْمِ فَهُوَ فِي النَّارِ وَرَجُلٌ قَضَى لِلنَّاسِ عَلَى جَهْلٍ فَهُوَ فِي النَّارِ ». سنن أبی داود-ن (۳/ ۳۲۴)

ترجمه:- از بچه ابوبریده روایت است او از پدر خود روایت میکند و بریده رضی الله عنه میگوید که نبی علیه الصلاة والسلام فرمودند: قاضیان سه قسم اند: یکی آن در جنت و دوم آن در جهنم می باشد. قاضی که در جنت می باشد شخصی است که حق را می شناسد و به حق فیصله میکند، دوم آن شخصی است که حق را دانست اما در فیصله خود جور یعنی (ظلم) کرد پس او در آتش است؛ سوم شخصی است که برای مردم فیصله میکند به اساس جهل و نادانی این هم در جهنم می باشد. عدل و انصاف در فیصله ها به این تحقق میگیرد که در بین هردو متخاصمین مساوات رعایت شود و فیصله در وقت غضب صورت نگیرد؛ و دلائل متخاصمین شنیده شود.

۳- رعایت عدالت و انصاف در شهادت دادن:

الله تعالی بندگان خود را امر کرده است که بغیر از حق دیگر سخن نگوئید و مگوئید مگر راست، اگر چه بر علیه نفس، اهل و دوستان تان هم باشد. الله تعالی فرموده است: (وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ وَبِعَهْدِ اللَّهِ أَوْفُوا ذَلِكُمْ وَصَاكُم بِهِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ) [الأنعام: ۱۵۲]

ترجمه:- و هرگاه سخن گفتید پس انصاف را مراعات کنید و اگر چه کسیکه در باره او سخن میگوئید خویشاوند شما باشد و به عهد الله وفا کنید این ها اموری است که الله شما را به آن سفارش کرده است تا عبرت گیرید.

در آیه مبارکه دیگر آمده است: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ) [النساء: ۱۳۵]

ترجمه:- ای کسانی که ایمان آورده اید همیشه بر پا کننده عدل باشید و برای الله گواهی دهید اگر چه آن گواهی به ضرر خود، والدین یا خویشاوندان تان باشد.

۴- رعایت کردن عدل و انصاف در ترازو پیمانه و سائر معاملات:

بسیاری مردم پنج وقت نماز را با جماعت در مسجد اداء میکنند و اذکار مسنون را هم میخوانند و به آن پابندی میکنند؛ ظاهر ایشان به شریعت برابر می باشد، اما در کار بار و معاملات خود عدل و انصاف را مراعات نمی کنند بلکه در پیمانه و ترازو ظلم میکنند همچنان در فروش اجناس خود اضافه روی میکنند، تا آن را به قیمت خیلی بلند بفروش برسانند، قسم ها میخورند،

احتکار میکنند، از فقر مردم استفاده غلط میکنند. الله تعالى میفرماید: شما عدل کنید و مالهای مردم را مخورید: (وَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ) [الأنعام: ۱۵۲]

ترجمه: - پیمانه و ترازو را به عدل و انصاف مراعات کنید.

در آیه دیگری میفرماید: (وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ * الَّذِينَ إِذَا اكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ * وَإِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وَزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ * أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ * لِيَوْمٍ عَظِيمٍ * يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ). [المطففين: ۱-۶]

ترجمه: - وای برکم کنندگان حقوق مردم، کسانی که وقتی از مردم پیمانه بگیرند پوره و کامل میگیرند و چون به ایشان پیمانند دهند یا وزن کنند کم میکنند؛ آیابه این گمان نیستند و نمی دانند که دوباره زنده میشوند، برای روز بس بزرگ، روزیکه مردم در پیشگاه پروردگار جهانیان برای جواب دادن می ایستند.

۵- رعایت عدل و انصاف با دشمنان:

در شریعت اسلام با دشمن عدل و انصاف کردن لازم است، و گواهی به دروغ بالای کافر ندهید و با کافر در حال اسارت ظلم نکنید و این چنین بسیار مثالهایی است که ظلم کردن در برابر دشمن جواز ندارد. الله تعالى فرموده است: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاَنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ) [المائدة: ۸].

۶- رعایت عدل و انصاف با زوجه خود:

با خانم خود به عدل و انصاف زندگی کردن و در نفقه و جای بود و باش و در سائر حالات شخصی با او از عدل کار گرفتن و اگر زوجه از یک بالا تر میباشد با همه آنها با عدل و انصاف زندگی کردن و حق هر یکی را اداء کردن لازم است. الله تعالى فرموده است: (وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَىٰ وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَلَّا تَعُولُوا). [النساء: ۳].

ترجمه: - و اگر ترسیدید از اینکه در حق دختران یتیم عدل کرده نمی توانید پس در این صورت از دیگر زنانیکه مورد پسندتان است دو زن، یا سه زن، یا چهار زن را نکاح کنید. پس اگر ترسیدید که عدل کرده نمی توانید پس فقط یک زن را نکاح کنید یا اکتفاء کنید به کنیزیکه مالک شده اید. این نزدیکتر به آن است که (با عیالمند شدن و فقیر شدن در حق زنان) ظلم نکنید. البته محبت طبعی قلب در توان انسان نیست؛ اما در سائر حقوق در باره همه آنها یکسان توجه داشته باشند. الله تعالى فرموده است: (وَلَنْ تَسْتَطِيعُوا أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ النِّسَاءِ وَلَوْ حَرَصْتُمْ فَلَا تَمِيلُوا كُلَّ الْمِيلِ فَتَدْرُواهَا كَالْمِغْلَقَةِ وَإِنْ تُصْلِحُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا). [النساء: ۱۲۹].

ترجمه: - و هرگز نمیتوانید در بین زنهای عدل کنید؛ اگر چه بر عدالت میان آنها حریض باشید پس به یک طرف کاملاً تمایل نکنید تا آنکه آنها را آویزان بگذارید که نه او را طلاق دهید و نه حقش را اداء کنید و اگر با زنان تان صلح کنید و پرهیزگاری کنید به نفع شماست. بی گمان الله آمرزنده و مهربان است.

۷- رعایت کردن عدل و انصاف در بین اولادها:

در شریعت اسلام از هر آن خوی و خصلت و عملیکه باعث بغض کینه و حسد بگردد جلوگیری کرده شده است زیرا که الله تعالى عدل و انصاف را در بین اولادها لازم و واجب شمرده است.

عدل و انصاف در بین اولادها لازم است مانند هدیه دادن در بخشش نمودن، در وقف حتی تا اینکه ابراهیم نخعی رحمه الله میفرماید: . . . که صحابه کرام و سلف در بوسه گرفتن هم در بین اولادها عدل و انصاف را مستحب می شمردند.

در حدیث شریف آمده : عن النُّعْمَانِ بْنِ بَشِيرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا وَهُوَ عَلَى الْمِنْبَرِ يَقُولُ أُعْطَانِي أَبِي عَطِيَّةً فَقَالَتْ عَمْرَةُ بِنْتُ رَوَاحَةَ لَا أَرْضَى حَتَّى تُشْهَدَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَأَتَى رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ إِنِّي أُعْطِيتُ ابْنِي مِنْ عَمْرَةَ بِنْتُ رَوَاحَةَ عَطِيَّةً فَأَمَرْتَنِي أَنْ أُشْهَدَكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ أُعْطِيتَ سَائِرَ وَلَدِكَ مِثْلَ هَذَا قَالَ لَا قَالَ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْدِلُوا بَيْنَ أَوْلَادِكُمْ).
 صحيح البخاري ت (٦/ ٤٦٧)

ترجمه:- از نعمان ابن بشیررضی الله عنه روایت است ، او گفت در حالیکه به منبرنشسته بود ، برای من پدرم یک تحفه داد مادرم عمره بنت رواحه رضی الله عنها(برای پدرم گفت : من تاوقتی راضی نمی شوم تااینکه رسول الله صلی الله علیه وسلم را براین تحفه شاهد نگرادانی پدرم به نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم رفت وبرایش گفت : من برای فرزند خود که از عمره بنت رواحه است یک تحفه دادم وعمره بنت رواحه به من امرکردکه من شمارا براین کار شاهدبگیرانم نبی علیه السلام برایش گفت : آیا تو برای تمام اولادهایت این چنین تحفه داده ای ؟ پدرم گفت: نخیر نبی علیه السلام فرمودند : از الله بترس عدل کن در بین اولادهای خود .

عدل فوائد زیادی دارد که از جمله آن پخش کردن محبت در نفسهای مردم واطمنان حاصل کردن محکم کردن امنیت درجامعه وتاریخ اسلام مملو ازمثال های زیاد در این باره است پس برهرمسلمان لازم است که درهرجا ودرهروقت باید به صفات نیک عدل وانصاف خود را مزین نماید واز ظلم وجفاء کناره گیری کند ودر این مورد به سلف صالحین اقتداء کند .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته